

فیلم سینمایی «پرویز خان» داستان نوسازی فوتبال در دهه ۶۰ به دست پرویز دهداری است

# معمار امید باز دست های خالی

علی ثقفی، کارگردان فیلم سینمایی «پرویز خان» در گفت و گو با «فرهنگستان»:

نمی خواستم از دهداری قهرمان بسازم

روایتی سینمایی از یک واقعه عجیب اجتماعی

چرا «پرویز خان»

صرفاً یک فیلم ورزشی نیست؟

هشدار به مسئولان

انیمیشن ایرانی در حال مهاجرت

بررسی ژانر ورزشی در سینمای ایران به بهانه فیلم «پرویز خان»

## درخششی نورانی تر از برق مدال های ورزشی

برای فرشته ها نیست و «بچه های زمین خاکی» را داشته است. تعداد دیگری از فیلم های ورزشی سینمای ایران سراغ پرتره های جذاب رفتند و زندگی قهرمانان ملی را به تصویر کشیدند. فیلم «جهان پهلوان تختی» به کارگردانی بهروز افخمی در ۱۳۷۶ با «تختی» به کارگردانی بهرام توکلی محصول ۱۳۹۷ در دسته قرار می گرفتند اما نمی شد گفت که تابع فضای کلی حاکم بر دوران خودشان بودند، درحالی که فیلم های دیگری مثل «بیرو» محصول سال ۱۴۰۰ و «پرویز خان» که در رقابت فجر چهل و دوم شرکت کرده، از فضای دوره ای که سینمای ایران به فیلم های پرتنه ویژه ای دارد متاثر هستند. فارغ از فضای اکشن یا آرام، شاد یا احساساتی، واقعی یا تخیلی و هر دوگانه دیگری که با آن بتوان فیلم های ورزشی را از هم جدا کرد، سه عنصر اساسی را می توان در فیلم های استاندارد این ژانر سراغ گرفت که کنار هم قرار گرفتن شان به آنها حال و هوایی انسانی و ملی می دهد. در ادامه به واکاوی این سه عنصر در فیلم های ورزشی سینمای ایران پرداخته شده است.

اکشن ها عملاً ورزشی می شدند و به نمایش مسابقات رسمی یا نیمه رسمی می پرداختند. مثلاً «پرواز از اردوگاه»، «شیرهای جوان» «یاس های وحشی» و بعضی نمونه های دیگر. در دوره های بعد که توجهات زیادی معطوف به سینمای موسوم به اجتماعی شد، از آنجا که این نوع فیلم ها به مخاطبان داخلی توجه چندانی نداشتند و بیشتر جشنواره های خارجی را هدف می گرفتند، چند مورد از فیلم های ورزشی ساخته شدند که طبق قالب مورد پسند آن نوع جشنواره ها، به سمت نمایش یک جامعه زن ستیز از ایران می رفتند و ورزش زنان را از این جهت دستمایه قرار می دادند. فیلم هایی مثل «عرق سرد» و «اورکا» در این فضا و حال و هوا ساخته شدند. اما در سینمای جهان وقتی به فیلم های اسپرت اشاره می شود، معمولاً چنین فیلم هایی مدنظر نیستند بلکه تلاش فردی و جمعی عده ای انسان با انگیزه برای محقق کردن یک پیروزی نامحتمل است که درون مایه اصلی فیلم های ورزشی را تشکیل می دهد که در این مقام سینمای مستند ایران از سینمای داستانی جلوتر بوده است و نمایندگان خوبی چون «صفر تا سکو»، «جایی

میلاد جلیل زاده  
خبرنگار گروه فرهنگ

ژانر ورزشی یا اصطلاحاً اسپرت فیلم، یکی از گونه های شناخته شده و محبوب فیلمسازی در دنیاست؛ هرچند سینمای ایران کمتر به سراغ آن رفته و نمونه هایی که در این زمینه می توان یافت چندان پرتعداد نیستند. با این همه اگر دقت کنیم، فیلمی مثل «بچه های آسمان» که یکی از موفق ترین آثار سینمای ایران در تمام دهه فعالیت آن است، به نوعی یک اثر ورزشی هم محسوب می شود. گذشته از موردی مثل بچه های آسمان که به نوعی یک استثنا بود و نتوانست به جریان تبدیل شود، جهت گیری های عموم فیلم های ورزشی سینمای ایران که تعدادشان چندان زیاد نیست، با توجه به دوره ای که ساخته شدند و فضای کلی حاکم بر سینمای ایران، انتخاب شده بود. در دوره ای از تاریخ سینمای ایران که ژانر اکشن بسیار پررونق بود، تعدادی از

### اخلاق پهلوانی

در فرهنگ عام مردم ایران عبارت «اخلاق ورزشی» به نوعی فوتوت، تواضع و گذشت دلالته دارد و گاهی از آن تحت عنوان اخلاق پهلوانی هم یاد می کنند. وقتی بحث اخلاق ورزشی مطرح می شود چیزی فراتر از برد و باخت در میدان رقابت اهمیت پیدا می کند و این چیزهای با اهمیت تر هنگامی که به قالب های داستانی ورود کنند، طبعاً مخاطب حتی بازنده جوانمردی را به برنده نامرد و بی انصاف ترجیح می دهد. اخلاق ورزشی به شدت با منطق سودگرایی مادی در تضاد است و به نوعی فرمان گرای پهلوانی می زند. اگر این اخلاق ورزشی وجود نداشته باشد اساساً قهرمان و مفهوم قهرمانی در داستان ورزشی شکل نمی گیرد و حتی اگر یک کاراکتر بارها و بارها برنده شود، نهایتاً به یک ماشین خوب شبیه است که کارش را طبق قاعده انجام می دهد، نه شخصیتی که سمپاتی مخاطب را برانگیخته کند. از نقاط اوج اخلاق گرای ورزشی در سینمای ایران فیلم بچه های آسمان است و بین فیلم هایی که از لحاظ روایتی و ظاهری، ورزشی تر هستند هم بسیاری از اوقات این درون مایه می شود دیده. به عنوان مثال در فیلم تختی روی هیچ چیز به اندازه اخلاق مداری و فوتوت این شخصیت تاکید نشده و در پرویز خان هم بیش از اینکه با یک اسطوره تاکتیکی و تکنیک فوتبال طرف باشیم با شخصیت اخلاق مدار پرویز دهداری مواجه می شویم. حتی می شود به نوعی گفت پرویز دهداری در آخر داستان به این دلیل به موفقیت دست پیدا می کند که اخلاق مدارانه رفتار کرده و در میانه یک معرکه بزرگ، به رغم اینکه می داند ممکن است اعتراف به یک اشتباه و تغییر تاکتیک، ابهت او را فروریزند، اشتباهش را می پذیرد و تاکتیک را تغییر می دهد. این گردش اخلاق مدارانه غیر از تغییر تاکتیک فوتبالی در آب خوردن پرویز دهداری از قلمقه اش هم دیده می شود و یک جنبه نمادین پیدا می کند که اخلاق میدان ورزش را به ساحت شخصی کاراکتر تعمیم می دهد. پرویز خان یک جاز جواد زرینچه جوان می شوند که شما از ما بابت تند غذا خوردن انتقاد می کنید اما خودتان آب را یک نفس می نوشید و پرویز خان بعد از اینکه اشتباهش در اتخاذ تاکتیک های فوتبالی را پذیرفت، در خلوت خودش هم تصمیم می گیرد دیگر آب را با لیوان و به صورت جرعه جرعه بنوشد و نقدی که به او وارد شده بود را بپذیرد.

### کوشش خستگی ناپذیر

یکی از اصلی ترین درون مایه ها در داستان های ورزشی، کوشش خستگی ناپذیر قهرمان یا قهرمانان و تسلیم نشدن آنهاست؛ چنانکه در بعضی قصه ها قهرمان با اینکه نهایتاً پیروز نمی شود، به دلیل تسلیم نشدنش در ذهن مخاطبان قهرمان باقی می ماند. این خستگی ناپذیری و تسلیم نشدن وقتی با عنصر اخلاق مداری ترکیب شود، می تواند شمایل باشکوه و کاریزماتیک از قهرمان قصه بسازد. مثلاً در ابتدای فیلم تختی، غلامرضا را در کودکی می بینیم که یک کودک دیگر او را به درون روغن های سوخته و کثیف یک چاله می اندازد و شکنجه می دهد تا تسلیم شود اما چنین نمی شود. چند سال بعد وقتی غلامرضا به اوج شهرت و محبوبیت رسیده، این خصوصیت تسلیم ناپذیری را با فوتوت پهلوانی پیوند می زند و جویای احوال همان کسی می شود که در کودکی آزارش داده بود و امروز اوضاع مناسبی ندارد. در فیلم بیرو هم کوشش ناتمام و خستگی ناپذیر علیرضا بیرانوند را تا جایی می بینیم که شب ها به کار در رستوران یا رفتگری مشغول می شود و روزها به تمرین فوتبال می پردازد و وقتی به موفقیت می رسد، با همان کسانی که روزگاری منکر مسیر او یا مانع راهش بودند، به ملاطفت رفتار می کند. در پرویز خان هم کوشش ناتمام یک مربی پیر را می بینیم که امر محال را محقق می کند و به موفقیت می رسد اما رسیدن او به این جایگاه ابتدا بویی از انتقام نبرده است. پرویز خان حتی وقتی قرار است بازیکنان تیمش را انتخاب کند، کسی که هنگام شادی بعد از گل نسبت به بقیه با تبختر برخورد می کند را به رغم تکنیک و تاکتیک بالا کنار می گذارد و بازیکن عرب زبان تیمش که مرتب از یک بازیکن تیم رقیب کل کل های جانسوز می شنید هم وقتی او را معصوم و بر زمین افشاده می بیند، دستش را می گیرد و از زمین بلند می کند. این کوشش خستگی ناپذیر پرویز خان و تیمش، وقتی معنای قهرمانی و فراتر از منطق سود پیدا می کند که به قصد روکم کنی نیست و منافع جمعی یا اصول اخلاقی را بر خنک شدن دل شان ترجیح می دهند.

### ایثار و تلاش برای موفقیت همگانی

یک قهرمان اخلاق مدار برای رسیدن به چه چیزی باید به کوشش خستگی ناپذیر تن بدهد؟ پول یا محبوبیت؟ اگر کسی اینها را می توانست داشته باشد، آیا همه چیز را به دست آورده؟ در فیلم تختی می بینیم که بعضی از کشتی گیران دیگر با او در رختکن درگیر می شوند و یکی شان می گوید ما هم زیاد مدال آورده ایم اما همه مرتب اسم تختی را زرمزه می کنند چون کارهای دیگری غیر از کشتی گرفتن می کند. آن فرد با اینکه مدال های زیادی آورده و حداقل به اندازه تختی پول هم دارد، نه برای مخاطبی که فیلم را می بیند قهرمان است، نه در واقعیت برای مردم روزگار خودش نه اندازه تختی تبدیل به قهرمان شد؛ چراکه همه چیز را برای خودش می خواست نه اینکه موفقیتش را تبدیل به موفقیت تمام جامعه کند. نمایش آدم های خودخواه در داستان های ورزشی معمولاً به این کار می آیند که جنبه های قهرمانی شخصیت اصلی را زهنگار یک مقایسه تضاد آمیز بهتر به چشم بیایند و مخاطب به یاد بیاورد که این شخص با اشخاص را صرفاً به این دلیل دوست ندارد که برنده می شوند. در فیلم پرویز خان این روحیه ایثارگری و جنگیدن برای دیگران، در میانه دو قطب متضاد قرار می گیرد تا معرفی شود. در یک سو بازیکنانی خودخواه قرار دارند که نماد اصلی شان یک بازیکن ثروتمند و خوش تکنیک است. کسی که فقط برای موفقیت خودش تلاش می کند و طبیعتاً تلاش هایی که با این نوع هدف گیری انجام شوند، چندان اخلاق مدارانه نیستند. در سوی دیگر رزمندگانی هستند که مثل بازیکنان تیم جوان و تازه تشکیل شده پرویز خان، نه برای منفعت خودشان بلکه برای دیگران می جنگند. نزدیک شدن شیوه رفتار و منش پرویز خان و تیمش به گروه دو، آنها را در ذهن مخاطب به قهرمانانی تبدیل کرده که سمپاتی مخاطب را برانگیخته می کنند.

اولین شماره ویژه نامه جشنواره چهل و دوم فجر را با فیلم سینمایی «پرویز خان» شروع می کنیم، نه فقط به خاطر کیفیت و اندازه این اثر که تضاد در موردش به اقبال مخاطبان جشنواره باز می گردد و نظر منتقدان فیلم. نه به خاطر حس و حالی که فیلم برای مخاطب شکل می دهد بلکه بیشتر به خاطر موقعیتی است که فیلمساز سراغش رفته و کاراکترهای این فیلم با آن درگیر هستند. موقعیتی که شباهت هایی با امروز جامعه ایران دارد. در برخورد اولی که مخاطب با فیلم پرویز خان دارد، قصه پرویز دهداری مربی تیم ملی فوتبال در میانه دهه ۶۰ است که زیر موشکیاران تهران با یک تیم مستعفی فوتبال مواجه شد و با اتکا به اصول فوتبالی خودش از کوچ خاکی ها، بازیکنان فوتبال را به تیم ملی دعوت کرد. روزهایی که بازی تیم ملی در مقابل کویت، جنبه حیثیتی گرفته و فراتر از یک پدیده اجتماعی به مساله ای امنیتی، سیاسی و حتی نظامی بدل شده بود. اینکه بازی ورزشی به دلیل گره خوردنش با لایه های زیرین یک جامعه، تبدیل به پدیده ای شود که فراتر از زمین فوتبال اثرگذار باشد، قصه تازه ای نیست و نمونه های مشابه در دنیا کم ندارد و سینمای جهان به سادگی از کنار این قصه ها عبور نمی کند. اما آن چیزی که وجه تشابه وضعیت پرویز دهداری در فیلم پرویز خان با جامعه امروز ایران است، تشدید وضعیت اختلاط در همه ساحت های اجتماعی سیاسی است که در برخی مواقع به تعارض با یکدیگر هم می رسند. پرویز خان دهداری، نیلوفر امید را از دل مرداب یاس رویاند و این طور توانست به یک الگوی باشکوه از خودباوری تبدیل شود. شاید اگر کسی چنین قصه ای را در روزگار خودمان روایت می کرد به خوش باوری های رویاپردازانه متهم می شد اما علی ثقفی دستمان را گرفت و به ۳۷ سال پیش برد تا یادمان بیاورد که این چیزها نه افسانه، بلکه خاطره هستند و می توانستیم آن را در زمانه خودمان هم تجربه کنیم اگر... جوان گرای دهداری، دور شدن از پایتخت و میدان دادنش به نایب دیده گرفته شده های جنوب شهر یا شهرستان ها، التزام عملی او به اخلاق ملی تا آنجا که برای تیم ملی غروریش را می شکند و سراغ بازیکنانی می رود که به شکلی توهم آمیز ترکش کرده بودند، اخلاق مداری او تا آنجا که تحقیر فوتبالیست تیم رقیب را تاب نمی آورد و بازیکن خاکی خودش را از زمین بیرون می کشد و گردش های اخلاقی ستودنی او که باعث می شود برای نیل به منافع ملی، خودش را در برابر بچه های تیم بشکند و تاکتیک را عوض کند، همه چیزهایی هستند که در روزگار خود ما هم می توانند مایه ازا داشته باشند و البته قرار گرفتن در این مدارها جزء حسرت های روزگار ماست.